

Original Article

Eliminate the gaps in the Islamic Penal Code Regarding the Jurisdiction of International Crimes in the Iranian Legal System

Hamid Khalili Far¹, Iraj Goldoziyan^{2*}, Aboo Mohammad Asgar Khani³

1. PhD Student International Law, Qeshm Branch, Islamic Azad University, Qeshm, Iran.

2. Professor Department of Law, Qeshm Branch, Islamic Azad University, Qeshm, Iran. (Corresponding author) Email: igoldoz@ut.ac.ir

3. Associate Professor Department of Law, Qeshm Branch, Islamic Azad University, Qeshm, Iran.

Received: 5 Dec 2018 Accepted: 6 Jun 2021

Abstract

Background and Aim: One of the Important Aspects in the Criminal Field is the Issue of Jurisdiction and Competent Criminal Courts to Deal With International Crimes in the Domestic Legal System. Considering That the Islamic Penal Code and the Code of Criminal Procedure Have Recently Been Adopted in the Islamic Republic of Iran, the Purpose of This Study is to Investigate the Basics of the International Criminal Law System in the Framework of the Iranian Criminal Law System and Provide a Suitable Model for Synchronizing the Domestic Legal System of Iran With the International Criminal Law System.

Materials and Methods: This Descriptive-Analytical Research is a Theoretical Type and the Method of Data Collection is Library and has Been Done by Referring to Documents, Books and Articles.

Findings: The Atmosphere of International Criminal Law, for Various Reasons, Including the Principle of Legality of Crimes and Punishments, the Principle of Narrow Interpretation, the Principle of Non-Interference in the Internal Affairs of Governments, Etc. is Closely Related to the Atmosphere of Domestic Law. The General Orientation in the Field of International Criminal Law is That, Given the Above Reasons, Governments Should, to the Extent Possible, Criminalize International Crimes and Offenses in Their Domestic Legal System and the Effects that International Criminal Law Provides for Such Crimes and Offenses, Within the Framework of Domestic Law. If Governments do not Move in the Direction of Convergence and Harmonization With the International Criminal Law System, They Will be Held Accountable in Practice.

Conclusion: It Seems That the Changes That Have Taken Place in the Nature of the Criminal Law, With the Establishment and Influence of the Provisions of International Criminal Law in the Field of International Crime, Have not Been Adjusted in Proportion to Other Sectors. Given the Multiplicity of These Crimes and Their Examples, as Well as the Lack of Coordination of Some Principles of Domestic Law With the International Criminal Law System and the Need to Refer to International Standards in Cases of International Crimes, it Seems Necessary in the Domestic Law System of Iran Dedicated to Investigate International Crimes.

Keywords: International Criminal Law; Islamic Penal Code; Criminal Procedure Code; International Crimes; Jurisdiction

Please Cite This Article As: Khalili Far H, Goldoziyan I, Asgar Khani A M. Eliminate the gaps in the Islamic Penal Code Regarding the Jurisdiction of International Crimes in the Iranian Legal System. *Iran J Med Law, Special Issue on Human Rights and Citizenship Rights 2018; 373-386.*

رفع خلاءهای قانون مجازات اسلامی در زمینه صلاحیت رسیدگی به جرائم بین‌المللی در نظام حقوقی ایران

حمید خلیلی فر^۱، ایرج گلدوزیان^{۲*}، ابومحمد عسگرخانی^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران.

۲. استاد گروه حقوق، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران.

۳. دانشیار گروه حقوق، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران.

Email: igoldoz@ut.ac.ir

دریافت: ۱۳۹۷/۰۹/۱۴ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۱۷

چکیده

زمینه و هدف: یکی از جنبه‌های مهم در حوزه کیفری، مسئله صلاحیت و محاکم کیفری صالح جهت رسیدگی به جنایات بین‌المللی در نظام حقوق داخلی است. با توجه به اینکه قانون مجازات اسلامی و آیین دادرسی کیفری به تازگی در جمهوری اسلامی ایران به تصویب رسیده‌اند، هدف از پژوهش حاضر بررسی مبانی نظام حقوق بین‌الملل کیفری در چهارچوب نظام حقوق کیفری ایران و ارائه الگویی مناسب برای هم‌گام کردن نظام حقوق داخلی ایران با نظام حقوق بین‌الملل کیفری می‌باشد.

مواد و روش‌ها: این تحقیق از نوع نظری بوده و روش تحقیق به صورت توصیفی تحلیلی می‌باشد و روش جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای است که با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

یافته‌ها: فضای حقوق بین‌الملل کیفری بنا به دلایل مختلف از جمله اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها، اصل تفسیر مضیق، اصل عدم مداخله در امور داخلی دولت‌ها و ... ارتباط نزدیکی با فضای حقوق داخلی دارد. جهت‌گیری کلی در حوزه حقوق بین‌الملل کیفری این است که دولت‌ها با توجه به دلایل فوق، تا حد امکان جرائم و جنایات بین‌المللی را در نظام حقوق داخلی خود جرم‌انگاری و آثاری که حقوق بین‌الملل کیفری برای جرائم و جنایات مزبور در نظر گرفته است را در چهارچوب حقوق داخلی تعریف کنند. چنانچه دولت‌ها در مسیر همگرایی و هماهنگی با نظام حقوق بین‌الملل کیفری حرکت نکنند، عملاً مسؤولیت بین‌المللی متوجه آن‌ها خواهد شد.

نتیجه‌گیری: به نظر می‌رسد تغییراتی که در بخش‌های ماهیتی قوانین جزائی و با تاسی و تأثیرپذیری از تأییدات حقوق بین‌الملل کیفری ایجاد شده در حوزه جرائم بین‌الملل متناسب با سایر بخش‌ها تنظیم نگردیده است. با توجه به تعدد جنایات مزبور و مصادیق آن‌ها و همچنین عدم هماهنگی برخی از مبانی حقوق داخلی با نظام حقوق بین‌الملل کیفری و همچنین لزوم مراجعه به استانداردهای بین‌المللی در موارد ارتکاب جنایات بین‌المللی به نظر می‌رسد که لازم است در نظام حقوق داخلی ایران محاکم اختصاصی برای رسیدگی به موارد ارتکاب جنایات بین‌المللی طراحی شوند.

واژگان کلیدی: حقوق بین‌الملل کیفری؛ قانون مجازات اسلامی؛ قانون آیین دادرسی کیفری؛ جرائم بین‌المللی - جنایات بین‌المللی؛ صلاحیت

مقدمه

رسالت اصلی هنجارهای عالم حقوق، در واقع تنظیم روابط میان تابعان حقوق است. در روند تولد هنجارهای حقوقی، ابتدا نیازهایی برای تابعان حقوق ایجاد می‌شود و آنها برای رفع نیازهای خود، روابطی را با یکدیگر ایجاد می‌کنند (۱). در هنگامه روابط مزبور، تابعان به دنبال تأمین منافع خود هستند. در این‌جاست که تأمین منافع بستگی به میزان قدرت دارد. در نتیجه هرچه میزان قدرت بیشتر باشد، منافع بیشتری نیز تأمین می‌شود (۲). در اینجا لازم است که هنجارهایی وجود داشته باشند تا قدرت را مهار کنند. این هنجارها ابتدا در قامت هنجارهای اخلاقی و سپس در قامت هنجارهای حقوقی در فضای روابط میان تابعان حقوق، متولد می‌شوند (۳). نظم و شکل هنجارهای حقوقی و اخلاقی تا حدود زیادی، سایه‌ای از نظم و شکل نیازها، منافع و قدرت و در یک کلام «فضای روابط تابعان حقوق» می‌باشد (۴). در حال حاضر از یک‌سو با سایه انداختن فضای پست‌مدرنیسم بر زندگی بشر، فضای روابط نیز با پیچیدگی‌ها و چالش‌هایی مواجه شده است و از سوی دیگر اصول و قواعد عالم حقوق از بدو تولد برای مواجهه با این چالش‌ها طراحی نشده‌اند. نتیجه منطقی این فضا، پیچیده شدن مناسبات مفاهیم، اصول و قواعد حقوقی است (۵).

فضای حقوق بین‌الملل کیفری، بنا به دلایل مختلف از جمله اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها، اصل تفسیر مضیق، اصل عدم مداخله در امور داخلی دولت‌ها و ... ارتباط نزدیکی با فضای حقوق داخلی دارد (۶-۷). جهت‌گیری کلی در حوزه حقوق بین‌الملل کیفری این است که دولت‌ها با توجه به دلایل فوق، تا حد امکان جرائم و جنایات بین‌المللی را در نظام حقوق داخلی خود جرم‌انگاری و آثاری که حقوق بین‌الملل کیفری برای جرائم و جنایات مزبور در نظر گرفته است را در چهارچوب حقوق داخلی تعریف کنند. چنانچه دولت‌ها در مسیر همگرایی و هماهنگی با نظام حقوق بین‌الملل کیفری حرکت نکنند، عملاً مسؤولیت بین‌المللی متوجه آن‌ها خواهد شد (۸). به تعبیری چنانچه نظام حقوق داخلی یک کشور در تعارض یا تراحم با تعهدات بین‌المللی

قرار گیرد، منطقاً کشور مزبور به صورت سیستماتیک تعهدات بین‌المللی خود را نقض می‌کند (۹-۱۰). دولت ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست.

در برخی پژوهش‌هایی که با تأکید بر نظام حقوق داخلی ایران گردآوری شده‌اند، به طور خاص به جرم‌انگاری جنایت نسل‌زدایی پرداخته شده است. در همین راستا می‌توانیم به مقاله «امکان‌سنجی جرم‌انگاری ژنوسید سیاسی با تکیه بر اسناد بین‌المللی» نوشته رضوان باقرزاده اشاره کنیم که در سال ۱۳۹۹ در مجله حقوقی بین‌المللی به چاپ رسیده است. همچنین در ارتباط با بحث صلاحیت رسیدگی به جنایات بین‌المللی، مقاله حسن پوربافرانی تحت عنوان «صلاحیت دادگاه‌های داخلی در رسیدگی به جنایت تجاوز ارضی»، صلاحیت محاکم ملی از منظر حقوق بین‌الملل را مورد بحث و بررسی قرار داده است. مقاله مزبور به طور خاص ساختارهای داخلی حقوق ایران را مورد توجه قرار نداده است.

در ارتباط با اهمیت و ضرورت پژوهش حاضر باید دقت داشت که یکی از جنبه‌های مهم در حوزه کیفری، مسئله صلاحیت و محاکم کیفری صالح جهت رسیدگی به جنایات بین‌المللی در نظام حقوق داخلی می‌باشد. با توجه به اینکه قوانین مجازات اسلامی و آیین دادرسی کیفری به تازگی در جمهوری اسلامی ایران به تصویب رسیده‌اند، در پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این پرسش خواهیم بود که اساساً با توجه به ساختار نظام حقوق داخلی ایران، اولاً مبانی نظام حقوق بین‌الملل کیفری در نظام حقوقی ایران چگونه جایگاهی دارند و ثانیاً با چه الگویی می‌توان نظام حقوق داخلی ایران را هم‌گام با چهارچوب‌های نظام حقوق بین‌الملل کیفری نمود. در ارتباط با محدودیت‌های پژوهش حاضر نیز باید دقت داشت که از حیث ساختاری، صرفاً دیوان کیفری بین‌المللی و از حیث هنجاری، جنایات بین‌المللی موضوع اساسنامه دیوان مزبور در قلمرو مباحث پژوهش حاضر قرار می‌گیرد.

حقوق کیفری بین‌المللی

حقوق کیفری بین‌الملل بخشی از حقوق داخلی کشورها است که به دلیل داشتن یک عنصر خارجی جنبه فرامرزی

پیدا نموده است. اگرچه قدمت طرح مسؤولیت کیفری دولت‌ها و ایجاد شاخه‌ای تحت عنوان حقوق بین‌الملل کیفری در عرصه بین‌الملل به اندازه سایر بخش‌های حقوق بین‌الملل نمی‌باشد لکن به موازات مطرح شدن مسؤولیت بین‌المللی دولت‌ها و تلاش جهت گردآوری مجموعه‌ای در این راستا موضوع مسؤولیت کیفری در عرصه بین‌الملل و لزوم صیانت از نظم عمومی جهانی نیز مطرح گردیده است. لکن تلاش‌های اولیه در مواجهه با عنصر حاکمیت دولت‌ها و مصونیت عناصر دولتی و اصل سرزمینی بودن قوانین جزائی مانع از این شد که مسؤولیت کیفری دولت‌ها به سرانجام برسد (۱۱).

به هر حال نتیجه این تلاش‌ها در غالب مسؤولیت کیفری شخصی و صرف‌نظر از سمت افراد تحت تعقیب متبلور شد. این نوع مسؤولیت با انجام محاکمات لایپزیک (جانیان جنگ اول) کلید خورد و با محاکمات نورمبرگ و توکیو مشروعیت یافت و با تأسیس دیوان بین‌المللی کیفری نهادینه شد.

برخلاف نهاد مسؤولیت مدنی دولت‌ها در قبال تخلفات بین‌المللی در مسؤولیت کیفری دولت‌ها حقوق بین‌المللی کیفری رابطه خود را با حقوق داخلی منقطع ندانسته بلکه خود را به عنوان یک نهاد تکمیلی دانسته است. در حوزه مسؤولیت بین‌المللی دولت‌ها به دلیل وجود اصل برابری حاکمیت دولت‌ها امکان طرح ادعا توسط یک کشور علیه کشور دیگر در مراجع داخلی منتفی است. لکن به دلیل اینکه مسؤولیت کیفری دولت‌ها در عرصه بین‌المللی مقتبس از اصل و مبنای بی‌مجازات ناماندن مجرمین در قالب مسؤولیت اشخاص حقیقی متبلور شده و تعارضی با اصل برابری حاکمیت دولت‌ها ندارد، لذا چنانچه این هدف حقوق بین‌المللی کیفری از طریق محاکم کیفری داخلی کشورها تأمین شود حقوق بین‌الملل دلیلی بر مداخله نمی‌داند. در اهداف حقوق بین‌الملل به موارد دیگری از جمله سزادهی، عدالت برای قربانیان و اصلاح مجرمین نیز اشاره شده است.

مبانی حقوق جزای بین‌الملل در قوانین ایران

نخستین قانون مجازات ایران در سال ۱۳۰۴ در ۲۷۷ ماده به تصویب رسید و آخرین قانون کیفری نیز تحت عنوان قانون

مجازات اسلامی در ۷۲۵ ماده و در تاریخ ۹۲/۲/۱ به تصویب رسیده و لازم‌الاجراست.

در همه ادوار قانون‌گذاری ایران قانون‌گذار از توجه به حقوق جزای بین‌الملل غافل نبوده و در قالب صلاحیت‌های شناخته شده بین‌المللی اعمال صلاحیت تقنینی خود را به خارج از مرزهای کشور تسری داده است. در حال حاضر اصول تعیین‌کننده صلاحیت کیفری کشورها در قالب صلاحیت‌های شخصی، واقعی، جهانی و تکمیلی مطرح می‌شود که ضمن تعریف هر کدام به انطباق آن با مقررات ایران می‌پردازیم. قبل از ورود در موضوع انواع صلاحیت‌های کیفری لازم است به قلمرو زمانی و مکانی قانون که سر منشأ و مقدمه بحث می‌باشد اشاره گردد.

قلمرو زمانی قانون

منظور از قلمرو قانون در زمان این است که از چه تاریخی لازم‌الاجرا می‌شود و در چه تاریخی اقتدار آن پایان می‌پذیرد (۱۲).

اصل بر عدم تأثیر قانون نسبت به گذشته است. به عبارت دیگر اصل بر عطف بماسبق نشدن قانون است، مگر در خصوص قوانین تفسیری یا قوانین شکلی یا مجازات تأمینی و تربیتی یا تصریح در خود قانون (۱۲).

بنابراین در استناد به هر قانون باید به اعتبار زمانی آن توجه کرد. این موضوع خصوصاً در مورد قوانین جزائی که نسبت به سایر قوانین از تغییرپذیری بیشتری برخوردار است، بسیار مهم و تعیین‌کننده بوده و در قوانین موضوعه ایران از جمله در ماده ۴ قانون مدنی ایران و اصل ۱۶۹ قانون اساسی به صراحت مورد اشاره و تأیید قرار گرفته است. در اسناد بین‌المللی هم (از جمله اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری) به این مطلب اشاره شده و متضمن دو قاعده مهم است: (۱) اصل عطف بماسبق نشدن قوانین (۲) اثر فوری قانون

قلمرو مکانی قانون

منظور از قلمرو مکانی قانون، محدوده سرزمینی اقتدار یک قانون است. حاصل جمع میان اصل حاکمیت و اصل برابری

حاکمیت و استقلال دولتها در حقوق بین‌الملل، درون مرزی بودن قوانین است.

اگرچه محدوده مکانی اجرای یک قانون توسط قانون‌گذار داخلی هر کشوری تعیین می‌شود، لکن باید توجه داشت که کشورها برای اعمال قانون در خارج از مرزها با مانع حاکمیت دولتهای دیگر و اصل عدم مداخله در امور داخلی و حاکمیت دیگر کشورها مواجه هستند. در ماده ۵ قانون مدنی ایران و مواد ۳ الی ۹ قانون مجازات اسلامی محدوده اجرای قوانین تعیین گردیده که عبارتست از قلمرو حاکمیت زمینی، دریایی و هوایی جمهوری اسلامی ایران.

صلاحیت به طور کلی به معنای قدرت کامل یک کشور برای اعمال اقتدار نسبت به همه اشخاص یا اشیاء واقع در سرزمین خود است. صلاحیت کیفری دولتها به معنای توانایی و اقتدار لازم جهت داشتن حق وضع و اجرای قوانین کیفری است. انواع صلاحیتهایی که کشورها در عرصه حقوق کیفری برای خود قائل هستند مطابق حقوق بین‌الملل اختیاری است که به کشورها داده شده، لکن حقوق بین‌الملل متضمن قواعدی نیست که اعمال صلاحیت را الزامی کند (۱۳).

دیوان بین‌الملل دادگستری نیز در قضیه لوتوس با پذیرش اصل آزادی دولتها در اعمال صلاحیت خود وجود هر نوع ممنوعیتی را موکول به اثبات و احراز آن دانست. این اصول در پیش‌نویس کنواسیون ۱۹۳۵ به عنوان طرح تحقیقاتی دانشگاه هاروارد مورد قبول واقع شد. نتیجه اینکه مبانی صلاحیت تابع هیچ سلسله مراتبی نیست و هیچ دولتی نمی‌تواند به صرف اصلی که بر اساس آن اعمال صلاحیت می‌کند برای خود حق تقدم و اولویت قائل شود (۱۳).

اقسام صلاحیت در فرایند رسیدگی‌های کیفری

۱. صلاحیت سرزمینی

اصل صلاحیت سرزمینی پایه و اساس مطلوب برای اعمال صلاحیت دولت و مورد اتفاق تمام دولتها است (۱۳). مطابق این اصل هرگاه تمام یا بخشی از ارکان مادی جرم به قلمرو یک کشور مربوط شود آن کشور می‌تواند نسبت به تعقیب

مجرمین اقدام نماید. در تحلیل اصل صلاحیت سرزمینی دو دلیل عمده مطرح شده است: اولاً محل وقوع جرم از جهت کشف و جمع‌آوری ادله و تعقیب مجرمین بهترین مکان و گزینه است و ثانیاً هر جرمی نظم عمومی محل وقوع جرم را بهم می‌زند و اعمال و اجرای مجازات در همان محل از حقوق جامعه و تکالیف حاکمیتی جهت اعاده نظم از دست رفته است. در اسناد بین‌الملل از جمله اساسنامه دیوان بین‌الملل دادگستری و کنوانسیون منع محاکمه جرم نسل‌کشی ۱۹۴۸ به این اصل اشاره شده است. دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه لوتوس از اصل صلاحیت سرزمینی به عنوان یک اصل بنیادین در حقوق بین‌الملل کیفری یاد می‌کند.

بعضاً صلاحیت سرزمینی را به دو نوع صلاحیت شخصی یا موردی و صلاحیت عینی یا نوعی تقسیم می‌کنند. نوع اول زمانی است که شروع جرم در یک کشور باشد و نوع دوم زمانی است که جرم در قلمرو آن کشور تکمیل و نمایان شده است (۱۴-۱۳).

مواد ۳ و ۴ قانون مجازات اسلامی جمهوری ایران مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ به اصل صلاحیت سرزمینی اشاره دارد. مطابق مواد یاد شده قوانین جزایی ایران درباره کلیه اشخاصی که در قلمرو حاکمیت ایران مرتکب جرم شوند اعمال می‌شود. همچنین اگر قسمتی از جرم یا نتیجه آن در ایران واقع شود در حکم جرم واقع شده در خاک جمهوری اسلامی ایران است.

۲. صلاحیت شخصی یا تابعیتی

در اصل تابعیت مبنای استقرار صلاحیت جزائی یک کشور تابعیت مجرم (تابعیت فعال) یا مجنی‌علیه (تابعیت منفعل) است (۱۴).

این صلاحیت زمانی موضوعیت پیدا می‌کند که جرم توسط تبعه یک کشور یا علیه تبعه یک کشور در خارج از قلمرو کشور متبوع واقع شده باشد، چرا که در صورت وقوع جرم در داخل قلمرو کشور اصل صلاحیت سرزمینی حاکم بوده و ضرورتی جهت توسل به این نوع صلاحیت نخواهد بود.

رویه کشورها در خصوص حدود اعمال این اصل یکسان نیست و بعضی از کشورها این اصل را در رابطه با جرائم بسیار مهم اعمال می‌کنند (۱۳). در مقابل این استدلال که وجود

می‌شود (۱۵). دلیل پذیرش چنین صلاحیتی بی‌تفاوتی دولت‌ها نسبت به صدماتی است که برخی جرائم به نظر عمومی دیگر کشورها وارد می‌آورد (۱۶).

البته بعضی دولت‌ها در اعمال این اصل، منافع تمام یا برخی از کشورهای خارجی را نیز در فهرست مربوط به اصل صلاحیت واقعی قرار داده‌اند. مثلاً قانون مجازات اسلامی ایران، بند ۲ ماده ۲ قانون مجازات مصر مصوب ۱۹۳۷، ماده ۱۹ قانون مجازات سوریه و ماده ۱۹ قانون مجازات لبنان اقدام علیه منافع اساسی ملت را در فهرست خود قرار داده‌اند (۱۲). همچنین قطعنامه مؤسسه حقوق بین‌الملل ۱۹۳۱ در ماده ۴ خود اعلام کرد که هر دولتی حق دارد اعمال ارتكابی در خارج از قلمرو حاکمیت خود را مجازات کند، حتی اگر این اعمال به وسیله بیگانگان ارتکاب یافته باشد مشروط به اینکه اعمال (۱) حمله علیه امنیت آن دولت باشد. (۲) جعل پول، اسناد، مهرها یا نشانه‌های رسمی آن دولت باشد (۱۸).

با مراجعه به گذشته تاریخ حقوق کیفری بین‌الملل درمی‌یابیم که دولت در برابر جرائمی که امنیت داخلی یا خارجی او را تهدید می‌کرد حتی اگر این جرائم در خارج از قلمرو آن و توسط بیگانگان صورت می‌گرفت واکنش نشان می‌داده است (۱۹).

این نوع صلاحیت در ماده ۵ قانون مجازات اسلامی نسبت به جرائم اقدام علیه نظام امنیت داخلی یا خارجی، تمامیت ارضی یا استقلال جمهوری اسلامی ایران، جعل مهر، امضاء فرمان یا دستخط مقام رهبری و بعضی از مقامات عالی‌رتبه مندرج در قانون یا استفاده از آن و جعل آراء مراجع قضایی یا اجرائیه‌های صادره و یا استفاده از آن‌ها پیش‌بینی شده است.

۴. صلاحیت جهانی

خاستگاه این اصل در حقوق بین‌الملل است که یا از طریق عرف بین‌الملل و یا از طریق کنوانسیون‌های بین‌الملل صلاحیت تعقیب و مجازات مرتکبین بعضی از جرائم را به دولت‌ها اعطا می‌کند (۱۶).

صلاحیت جهانی یک تفاوت عمده با سایر صلاحیت‌ها دارد. صلاحیت‌های قبلی منبعت از اصل حاکمیت کشورها و هدف آن حفظ منافع یک کشور و اعاده نظم است، لکن در

رابطه تابعیت میان فرد و دولت این حق را به دولت می‌دهد تا قوانین جزئی خود را نسبت به اتباع خود ولو اینکه خارج از کشور باشد اعمال کند، برخی از دانشمندان (رسو و منتسکیو) با استناد به ارزش نسبی قوانین جزائی مخالف این نوع از صلاحیت هستند و معتقدند با ترک سرزمین قرارداد اجتماعی خاتمه یافته است (۱۳). این انتقاد در رابطه با صلاحیت بر مبنای تابعیت مجنی‌علیه بیشتر است. چون مبنا و اساس منطقی و توجیه‌کننده صلاحیت جزائی نمی‌باشد (۱۵). در قوانین ایران این اصل نیز دارای مبنای قانونی است. مطابق مواد ۶ و ۷ و ۸ قانون مجازات اسلامی صلاحیت شخصی درخصوص مستخدمان دولت اعم از ایرانی و غیر ایرانی و کسانی که در خارج از کشور مرتکب جرم شوند مشروط به موارد ذیل مورد محاکمه و مجازات قرار خواهند گرفت:

الف) رفتار ارتكابی بموجب قانون ایران جرم باشد (اصل قانونی بودن جرائم).

ب) در صورتی که متهم در محل وقوع جرم محاکمه شده یا مجازات در مورد وی کلاً یا بعضاً اجرا نشده باشد (اصل منع محاکمه مجدد در مورد جرائم تعزیری).

ج) طبق قوانین ایران مانعی جهت اجرای مجازات نباشد (علل موجهه یا رافع مسؤولیت کیفری).

همچنین هر شخص غیر ایرانی که علیه شخص ایرانی یا علیه کشور ایران مرتکب جرم شود مشروط به اینکه این عمل مطابق قوانین جزائی ایران جرم باشد (اصل قانونی بودن جرائم) و متهم در کشور محل وقوع جرم محاکمه و تبرئه نشده یا مجازات کلاً یا جزاً در مورد وی اجرا نشده باشد (اصل منع محاکمه مضاعف) مشمول قوانین جزائی ایران خواهد بود.

۳. صلاحیت واقعی (حمایتی)

یکی دیگر از مبانی حقوقی تعیین صلاحیت کیفری یک دولت به‌کارگیری صلاحیت واقعی است. در بسیاری از موارد جرائم ارتكابی از جهت محل وقوع و تابعیت مجرم یا مجنی‌علیه ارتباطی با یک کشور مشخص ندارد، لکن وقوع این جرم بنیان‌های سیاسی، امنیتی، اقتصادی، تابعیت ارضی و نظامی کشور را به خطر می‌اندازد و این صلاحیت جهت حمایت از منافع یک کشور و نه افراد پیش‌بینی و اعمال

چهارچوب حقوق داخلی‌شان پیش‌بینی شده است، لکن فاقد آثار حقوقی ناشی از جنایت بین‌المللی دانستن نقض یک تعهد بنیادین حقوق بین‌الملل می‌باشد (۲۰).

در ماده ۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۳ جمهوری اسلامی ایران به صلاحیت جهانی اشاره شده و چنین آمده است: فردی که به موجب قانون خاص یا عهدنامه‌ها و مقررات بین‌المللی در کشوری مرتکب جرم شود در همان کشور محاکمه می‌شود. بنابراین چنانچه فرد مجرم در ایران یافت شود طبق قوانین جزائی جمهوری اسلامی ایران محاکمه و مجازات می‌شود. این ماده اگرچه صلاحیت جهانی را مورد پذیرش قرار می‌دهد لکن از جهت عناوین تحت صلاحیت و محاکم صالحه و شرایط اعمال صلاحیت جهانی و شروع تعقیب مکانیزم، معیارهای دقیقی ارائه نمی‌دهد. اینکه منظور از معاهدات بین‌المللی صرفاً معاهداتی است که برای دولت ایران لازم‌الاجرا گردیده یا سایر معاهدات را نیز شامل می‌شود و یا شروع تعقیب توسط چه مقامی بوده و چه افرادی ذی‌نفع جهت طرح شکایت محسوب می‌شوند و سرانجام محاکم صالح جهت رسیدگی به این جرائم که معمولاً خارج از کشور اتفاق می‌افتد در چه دادگاهی خواهد بود، از جمله نکاتی است که قانون مجازات اسلامی و آیین دادرسی کیفری نسبت به آن سکوت اختیار کرده است.

۵. صلاحیت تکمیلی

بعضی کشورها علاوه بر اعمال صلاحیت‌هایی که مورد اشاره قرار گرفت، عناصر دیگری را جهت احراز و اعمال صلاحیت خود به کار می‌گیرند؛ عناصری همچون اقامتگاه اتباع بیگانه (مانند کنوانسیون ۱۹۶۴ کشورهای اروپایی در مورد جرائم رانندگی) یا رابطه مأموریتی یا کاری میان یک دولت و یک شخص بیگانه مگر اینکه آن شخص بر اساس قواعد صلاحیت یک کشور، قابلیت تعقیب نداشته باشد، اما برای جلوگیری از بی‌مجازات ماندن وی امکان تعقیب به وجود آید. بنابراین صلاحیت تکمیلی یک صلاحیت اولیه و ذاتی نمی‌باشد و مادامی که صلاحیت‌های مورد اشاره قبلی قابلیت اجرا داشته باشد، به صلاحیت تکمیلی استناد نمی‌شود. دیوان بین‌المللی کیفری نیز صلاحیت خود را مشروط به عدم تعقیب

صلاحیت جهانی مبنای اعطای صلاحیت نه حاکمیت و سیستم قانونگذاری یک کشور بلکه حقوق بین‌الملل است و هدف آن نیز تنها حفظ منافع یک کشور نیست، بلکه حفظ منافع جامعه جهانی است و در واقع کشور رسیدگی‌کننده به نمایندگی از جامعه جهانی اقدام می‌کند.

در مورد صلاحیت جهانی دو برداشت وجود دارد: برداشت موسع و برداشت مضیق. در برداشت موسع صلاحیت جهانی در برابر دو صلاحیت سرزمینی و حمایتی (واقعی) قرار می‌گیرد. در این تعبیر هر صلاحیتی که مبنای آن به غیر از ارتکاب جرم در سرزمین دولت محل دادگاه یا ارتکاب جرم علیه منافع امنیتی دولت محل دادگاه باشد صلاحیت جهانی نامیده می‌شود که در حقیقت همان صلاحیت بین‌الملل برای پیگرد جرائم بین‌الملل است (۲۰). در برداشت مضیق از صلاحیت جهانی این نوع صلاحیت درحقیقت صلاحیتی است که در برابر کلیه صلاحیت‌های پیش‌گفته قرار گرفته و مبنای صلاحیتی مستقلی را در اختیار محاکم دولت قرار می‌دهد. در این تعبیر صلاحیت جهانی اشاره به اقتدار مقامات صلاحیت‌دار یک کشور در تعقیب جنایاتی دارد که فاقد هرگونه ارتباط قابل توجه با حقوق و منافع آن دولت است (۲۰).

تجربه نشان داده است اعمال و اجرای صلاحیت جهانی توسط کشورها همواره با ملاحظاتی همراه بوده است. اینکه چه جرائمی توسط کشورها واجد صلاحیت جهانی تلقی شود و رسیدگی به این جرائم بر مبنای کدام قوانین و مقررات (داخلی یا بین‌المللی) و با چه تشریفات رسیدگی شوند، از جمله مسائلی است که کشورها با آن مواجه هستند. امروزه با توجه به اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری می‌توان گفت درخصوص جنایات مندرج در اساسنامه این اتفاق نظر وجود دارد که این جرائم از جمله جنایات مشمول صلاحیت جهانی هستند. جنایت بین‌المللی دارای دو اثر عمده است: تکلیف دولت‌ها به محاکمه یا استرداد (۲۰).

در کنار مفهوم جنایات بین‌المللی مفهوم جنایت شدید دارای اهمیت بین‌المللی قرار دارد. این دسته از جنایات در حقیقت پیامد تکالیفی است که در کنوانسیون‌های بین‌المللی برای دولت‌ها مبنی بر جرم‌انگاری رفتارهای خاصی در

ملی تنها وسیله اولیه تعقیب جنایات بین‌المللی نیستند، بلکه آنها را از ابعاد سیاسی، جامعه‌شناختی، عملی و قانونی، گزینه‌ای مرجح نسبت به تعقیب‌های بین‌المللی می‌توان محسوب کرد. تعقیب‌های ملی واکنش به مصونیتی است که غالباً در سطح ملی وجود دارد (۲۱).

با تصویب و اجرایی شدن اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی و لحاظ اینکه کشورها حداقل در رابطه با جنایات بین‌المللی مکلف به محاکمه یا استرداد می‌باشند قطعاً لزوم همکاری کشورها جهت تهیه بسترهای قانونی و قضایی و اجرایی لازم جهت تعقیب و محاکمه یا استرداد مجرمین به مراجع ذی‌صلاح امری اجتناب‌ناپذیر می‌باشد. در مقررات معاهداتی اجازه اعمال صلاحیت جهانی به دولت‌ها داده شده و معمولاً با واژگانی آمرانه بیان می‌شود (۲۱).

مصادیق جنایات بین‌المللی

در فضای حقوق بین‌الملل کیفری مصادیق جنایات بین‌المللی در اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری مشخص شده است. دیوان بین‌المللی کیفری با الهام از رویه قضایی بین‌المللی و مجموعه اسناد حقوق بشر و حقوق بشردوستانه چهار جنایت اصلی یعنی نسل‌زدایی، جنایات جنگی، جنایات علیه بشریت و جنایت تجاوز را مورد شناسایی و بررسی قرار داده است. نکته‌ای که در اینجا باید به آن دقت داشت این است که چهار جنایت مزبور دارای مصادیق بسیار گسترده و متعددی هستند که در اساسنامه دیوان به تفصیل مورد اشاره قرار گرفته‌اند.

در سال ۱۹۹۸ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی امضا و در سال ۲۰۰۲ لازم‌الاجرا گردید. در ماده ۵ که سرآغاز فصل دوم است، راجع به صلاحیت دیوان تصمیم‌گیری شده است و چنین تصریح می‌کند که «صلاحیت دیوان محدود به سنگین‌ترین جنایاتی است که به کل جامعه بین‌المللی لطمه می‌زند». ضابطه مورد نظر یعنی منفعت عالیه جامعه بین‌المللی، نشان‌دهنده اهمیت خاص موادی است که نقض آنها جنایت تلقی می‌گردد. در این اساسنامه ذیل مواد ۶، ۷ و

یا عدم اعمال مجازات متناسب توسط محاکم داخلی نموده که نوعی صلاحیت تکمیلی است. قوانین جزائی ایران نیز در ماده ۶ قانون مجازات اسلامی این نوع از صلاحیت را پیش‌بینی نموده و بر اساس آن افرادی که در خدمت دولت ایران هستند و مرتکب جرمی در رابطه با شغل و وظیفه خود می‌شوند مشمول قوانین جزائی ایران دانسته است.

جنایات بین‌المللی و تکالیف دولت‌ها

به موازات طرح مسؤولیت مدنی دولت‌ها، موضوع مسؤولیت کیفری دولت‌ها نیز مطرح شد. کمیسیون حقوق بین‌الملل در ابتدا تلاش داشت در چهارچوب مسؤولیت حقوقی دولت‌ها، مسؤولیت کیفری را نیز مطرح کند، لکن این پیشنهاد با مخالفت‌های صورت گرفته و با حذف ماده ۱۹ طرح مسؤولیت بین‌المللی دولت‌ها به نتیجه نرسید و مقرر شد مسؤولیت کیفری دولت به صورت جداگانه و در قالب اسناد دیگر تدوین و طراحی شود. لذا در حال حاضر حقوق بین‌الملل کیفری بر مبنای مسؤولیت اشخاص حقیقی بنا نهاده شده و علت آن هم در موضع‌گیری حقوقی دادگاه نورمبرگ مورد اشاره قرار گرفت.

حال که رویکرد حقوق بین‌الملل کیفری درخصوص مسؤولیت کیفری اشخاص مشخص شد این سؤال مطرح می‌شود که تکالیف دولت‌ها در مقابله با جرائم و جنایات بین‌الملل به چه مبانی و به چه میزان می‌باشد؟ تعهد به همکاری در حقوق بین‌الملل حاصل منافع و نگرانی‌ها و ارزش‌های عرفی مشترک دولت‌ها بوده و اجرای مقررات مربوط به حوزه‌های مختلف از جمله جرائم بین‌الملل بدون همکاری امری غیر قابل تصور است (۱۴).

مبنای قراردادی تعهد به همکاری به دو دسته کنوانسیون‌ها و معاهدات جهانی مانند کنوانسیون‌های ۴گانه ژنو تقسیم می‌شوند. مبنای عرفی تعهد به همکاری نیز قاعده وفای به عهد می‌باشد (۱۴).

رژیم حاکم بر حقوق بین‌الملل کیفری بر ایجاد یک نظام اجرایی غیر مستقیم بنا شده که براساس آن می‌بایستی حقوق بین‌الملل کیفری از طریق نظام‌های ملی اجرا شود. تعقیب‌های

۸ به تفصیل به بیان تعریف و مصادیق جنایات چهارگانه پرداخته شده است (۲۲).

مطابق مفاد ماده ۶ اساسنامه نسل‌زدایی عبارت است از: الف) کشتن اعضاء آن گروه ب) وارد آوردن صدمه شدید جسمی یا روانی به اعضاء آن گروه ج) با یک حرکت حساب شده، عمداً ایجاد شرایط دشوار زندگی برای یک گروه به قصد نابود ساختن کل و یا بخشی از آنان د) تحمیل اقداماتی به قصد پیشگیری از زاد و ولد در میان آن گروه ه) انتقال اجباری کودکان آن گروه به گروهی دیگر به قصد نابود ساختن کل و یا بخشی از یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی (۲۳).

با توجه به مفاد ماده ۷ اساسنامه، جنایات علیه بشریت عبارت است از: الف) قتل ب) نابودسازی ج) برده‌سازی د) اخراج یا انتقال اجباری جمیعت ه) محبوس ساختن یا دیگر اشکال محرومیت شدید از آزادی جسمی که نقض‌کننده مفاد اساسی حقوق بین‌الملل باشد و) شکنجه ز) تجاوز جنسی، برده‌کشی جنسی، فحشاء اجباری، حاملگی اجباری، عقیم‌سازی اجباری یا هر نوع خشونت جنسی دیگر در همان سطح ح) آزار و تعقیب یک گروه یا جمعیت مشخص به دلایل سیاسی، نژادی، ملی، قومی، فرهنگی، مذهبی و جنسی به شرحی که در بند ۳ مشخص گردیده یا به دلایل دیگری در سطح جهان بر اساس قوانین بین‌المللی در ارتباط با هر یک از اعمالی که در این بند یا هر جرم دیگری که در حیطه صلاحیت این دادگاه باشد به عنوان یک عمل غیرمجاز به رسمیت شناخته شده باشد ط) ناپدید شدن اجباری افراد ی) جنایت نژادپرستی ک) دیگر اعمال غیرانسانی با خصوصیات مشابه که به قصد وارد آوردن عمدی درد و رنج شدید یا آسیب رساندن جدی به بدن یا سلامت جسمی یا روانی افراد، به عنوان بخشی از یک حمله علیه گروهی غیر نظامی که به شکل گسترده یا سازمان یافته صورت بگیرد (۲۴).

نهایتاً در ماده ۸ اساسنامه جنایات جنگی مورد توجه قرار گرفته است. اولین مصداق از جنایات جنگی، نقض‌های فاحش کنوانسیون ژنو مصوب ۱۲ اوت ۱۹۴۹ می‌باشد. در اساسنامه دیوان مصادیق نقض‌های مزبور مشخص شده‌اند که عبارتند از:

۱) قتل عمد ۲) شکنجه یا رفتار غیر انسانی، از جمله آزمایش‌های بیولوژیکی ۳) وارد آوردن رنج شدید یا آسیب جدی به بدن یا سلامت افراد ۴) تخریب و تصرف اموال در سطح گسترده که به صورت غیر قانونی و مغرضانه انجام گیرد و نتوان آن را به دلیل ضرورت نظامی توجیه نمود ۵) مجبور ساختن زندانیان جنگی یا دیگر افراد محافظت شده به خدمت در نیروهای یک قدرت متخاصم ۶) محروم ساختن عمدی زندانی جنگی یا دیگر افراد محافظت شده از حق برخورداری از یک محاکمه عادلانه و قانونی ۷) اخراج یا انتقال غیرقانونی یا حبس غیر قانونی ۸) گروگانگیری.

دومین مصداق از جنایات جنگی، نقض سایر قوانین حقوقی و عرفی است که در منازعات مسلحانه بین‌المللی قابل اعمال هستند و در چارچوب حقوق بین‌الملل تثبیت شده‌اند. مصادیق این دسته از جنایات جنگی نیز در اساسنامه دیوان به تفصیل مورد اشاره قرار گرفته که عبارتند از: ۱) حملات عمدی بر ضد غیرنظامیان با قصد حمله علیه آنان یا افراد غیر نظامی که مستقیماً در این مخاصمات شرکت ندارند ۲) حملات عمدی به سوی اهداف غیر نظامی، یعنی اهدافی که دارای کاربرد نظامی نیستند ۳) حملات عمدی علیه کارکنان، تأسیسات، ابزار، واحدها یا خودروهایی که در خدمات بشردوستانه یا هیئت‌های پاسدار صلح مطابق با منشور سازمان ملل متحد مشغول هستند و تا هر زمانی که آنها بر اساس قوانین بین‌المللی منازعات مسلحانه تحت پوشش محافظت‌های متعلق به اشخاص یا اهداف غیر نظامی قرار بگیرند ۴) آغاز عمدی حمله با علم به اینکه چنین حمله‌ای باعث تلفات یا صدمات به افراد غیر نظامی یا تخریب اهداف غیر نظامی یا خسارات شدید، گسترده و درازمدت به محیط زیست می‌شود که در مقایسه با مجموع منافع نظامی مستقیم و قطعی پیش‌بینی شده، مسلماً زیاد از حد باشد ۵) هرگونه بمباران یا حمله به شهرها، روستاها، نقاط مسکونی یا ساختمان‌هایی که تحت حمایت نظامی قرار ندارند و اهداف نظامی محسوب نمی‌گردند ۶) کشتن یا مجروح کردن یک فرد نظامی که دست از جنگ کشیده است یا دیگر طریقه‌ای برای دفاع از خود ندارد و به میل خود تسلیم شده است ۷) استفاده

نامناسب از پرچم آتش‌بس، پرچم یا نشانه و یونیفورم ارتشی طرف متخاصم یا سازمان ملل متحد و نیز آرم‌های مشخص کنوانسیون‌های ژنو که سبب تلفات یا صدمات شدید افراد شود (۸) انتقال مستقیم یا غیر مستقیم بخشی از شهروندان غیر نظامی قدرت اشغالگر توسط این نیروها به داخل محدوده تحت اشغال یا انتقال تمام یا بخش‌هایی از جمعیت منطقه اشغال شده به قسمت دیگری از این محدوده و یا اخراج این افراد به خارج از محدوده مذکور (۹) حملات عمدی به ساختمان‌های مذهبی، آموزشی، هنری، علمی یا خیریه، بناهای تاریخی، بیمارستان‌ها و مکان‌هایی که افراد بیمار و مجروح در آن تجمع می‌کنند، مشروط بر آنکه این نقاط اهداف نظامی نباشند (۱۰) قطع اعضاء بدن افرادی که تحت سیطره نیروی متخاصم قرار دارند یا انجام هرگونه آزمایش‌های پزشکی یا علمی بر روی آن‌ها که از جهت پزشکی، دندانپزشکی یا درمان بیمارستانی فرد مورد نظر قابل توجیه نباشد و یا انجام آن منفعتی برای وی در برداشته باشد و سبب تلفات جانی یا به مخاطره انداختن سلامت فرد یا افراد مزبور گردد (۱۱) کشتن یا زخمی کردن خائنانه افراد متعلق به ملت یا ارتش طرف متخاصم (۱۲) اعلام اینکه هیچ کسی در امان نخواهد بود (۱۳) انهدام یا توقیف اموال طرف متخاصم، مگر آنکه ضرورت‌های جنگی لزوم اجرای آن را جداً ایجاب نماید (۱۴) اعلام الغاء، تعلیق یا عدم اعتبار حقوق و اقدامات حقوقی اتباع طرف متخاصم در دادگاه (۱۵) وادار نمودن اتباع دولت متخاصم به شرکت در عملیات جنگی علیه دولت خودشان، حتی اگر آنان پیش از شروع جنگ در خدمت دولت متخاصم بوده باشند (۱۶) چپاول یک شهر یا مکان، حتی اگر آن محل به وسیله حمله به اشغال درآمده باشد (۱۷) به کار گرفتن سلاح‌های مسموم‌کننده یا سمی (۱۸) به کار گرفتن گازهای مهلک، سمی، یا گازهای دیگر و تمامی مایعات، مواد یا ابزار مشابه (۱۹) استفاده از گلوله‌هایی که به راحتی در بدن انسان منبسط یا مسطح می‌شوند، مانند گلوله‌های دارای پوشش سخت که به طور کامل قسمت مرکزی گلوله را نمی‌پوشاند یا با ایجاد برش شکافته می‌شود (۲۰) به‌کارگیری سلاح‌ها، پرتابه‌ها، مواد و روش‌های رزمی که طبیعتاً سبب

ایجاد جراحات اضافی یا درد غیر ضروری شود یا ذاتاً غیر قابل کنترل بوده و ناقض قوانین بین‌المللی منازعات مسلحانه باشند، مشروط بر آنکه استفاده از چنین سلاح‌ها، پرتابه‌ها، مواد و روش‌های رزمی به کلی ممنوع باشند (۲۱) ارتکاب اهانت شدید نسبت به شأن و حرمت افراد، خصوصاً رفتارهای تحقیرآمیز و موهن (۲۲) ارتکاب تجاوز جنسی، برده‌سازی جنسی، فحشاء اجباری، حاملگی اجباری، عقیم‌سازی اجباری یا هر نوع خشونت جنسی دیگری که کنوانسیون‌های ژنو را شدیداً نقض نماید (۲۳) بهره گرفتن از حضور افراد غیر نظامی یا دیگر افراد محافظت شده برای مصون ساختن نقاط، مناطق یا نیروهای ارتشی خاص در مقابل عملیات نظامی (۲۴) حملات عمدی به ساختمان‌ها، وسایل، واحدها و خودروهای پزشکی و کارکنانی که از آرم‌های مشخص کنوانسیون‌های ژنو مطابق با حقوق بین‌الملل استفاده می‌کنند (۲۵) تحمیل گرسنگی اجباری بر غیر نظامیان به عنوان یک حربه نظامی از طریق محروم ساختن این افراد از لوازم حیاتی که برای بقای آن‌ها ضروری است، از قبیل ایجاد عمدی موانع در ارسال محموله‌های حیاتی که در کنوانسیون‌های ژنو ضروری نامیده شده‌اند (۲۶) سربازگیری و فراخواندن نوجوانان زیر پانزده سال به خدمت در گروه‌ها یا نیروهای مسلح یا استفاده از آن‌ها برای شرکت فعالانه در مخاصمات (۲۵).

اما در ارتباط با تعریف جنایت تجاوز و مصادیق آن به علت اختلافات موجود میان دولت‌ها، اساسنامه دیوان موضع سکوت را اختیار کرده است. مطابق مفاد بند ۲ ماده ۵ اساسنامه، دادگاه بر جنایت تجاوز در صورتی صلاحیت قضایی خواهد داشت که این جنایت طبق مواد ۱۲۱ و ۱۲۳ تعریف و شرایطی که برحسب آن این دادگاه صلاحیت قضایی خود را اعمال نماید تثبیت گردد. مقررات مذکور باید منطبق با قواعد ذی‌ربط در منشور سازمان ملل متحد باشد. پس از مذاکرات طولانی در ۱۰ جون ۲۰۱۰ میلادی، اولین کنفرانس بازنگری با وفاق عام موفق به تصویب قطعنامه اصلاح اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی در مورد تعریف جرم تجاوز، چگونگی اعمال صلاحیت دیوان و قطعنامه دیگری راجع به منع استفاده از سلاح‌ها و گازهای سمی یا خفه‌کننده در مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی شد.

تقاضای استرداد مجرمین در صورتی که نهادی بین‌المللی از جمله دیوان بین‌المللی کیفری تقاضای مزبور را ارائه کند.

اصلاح مواد قانون مجازات اسلامی و رفع خلاءهای موجود با در نظر گرفتن اصول و مبانی حقوق کیفری داخلی و بین‌المللی

به نظر می‌رسد در صورت تصویب چند ماده در کنار مواد قبلی در فصل دوم قانون مجازات اسلامی می‌توان این خلاء را نیز مرتفع نمود، به طوری که نیاز به تغییر یا اصلاح سایر قوانین شکلی نباشد. مواد پیشنهادی به این ترتیب است:

ماده (۱) رسیدگی به جرائم بین‌المللی در محاکم ویژه رسیدگی به جرائم بین‌المللی خواهد بود. به همین جهت در تهران شعبه یا شعبی از محاکم کیفری استان جهت رسیدگی به جرائم بین‌الملل اختصاص داده خواهد شد.

تبصره: در این محاکم از قضات متخصص در امور حقوق بین‌الملل استفاده خواهد شد.

ماده (۲) منظور از جرائم بین‌المللی جرائمی است که در معاهدات تصویب شده توسط ایران مورد اشاره قرار گرفته است. ماده (۳) نحوه رسیدگی و انجام تحقیقات تا زمان تصویب قانون مربوط به ضابطین خاص این جرائم بر عهده ضابطین فعلی و بر اساس آیین دادرسی کیفری خواهد بود.

ماده (۴) جهات شروع تعقیب و رسیدگی عبارتند از: (۱) شکایت بزه‌دیدگانی که تابعیت ایرانی دارند (۲) اعلام دادستان کل کشور

تبصره: اعمال صلاحیت دادگاه مشروط به حضور متهم در قلمرو جمهوری اسلامی ایران خواهد بود.

ماده (۵) چنانچه دولت ایران به هر دلیل تعقیب و رسیدگی به جرائم متهمین را وارد ندارند در صورت درخواست دیوان کیفری بین‌المللی یا هر کشور زیان‌دیده و به شرطی که متهمین ایرانی نباشند با تأیید مراتب توسط دادگاه صالحه ایران متهمین مسترد خواهند شد.

ماده (۶) دادگاه در خصوص عناوین مجرمانه مکلف به تبعیت از عناوین مندرج در معاهدات بین‌المللی نبوده و تعیین مجازات نیز بر اساس قوانین جزایی ایران خواهد بود.

اصلاحیه راجع به اعمال صلاحیت دیوان بر جرم تجاوز هرچند از قوت لازم برخوردار نیست، اما به نوبه خود پیشرفتی در حقوق کیفری بین‌الملل در جهت پایان دادن به مصونیت برنامه‌ریزان، طراحان و مجریان جرم تجاوز محسوب می‌شود. همچنین این اصلاحیه خواسته دولت‌ها را در محدود کردن و کاستن از اختیارات شورای امنیت نشان می‌دهد (۲۶).

خلاءهای قانونی در قانون مجازات اسلامی

در نظام قضایی ایران اگرچه درخصوص جرائم و جنایات بین‌المللی قوانین جداگانه و منسجمی در رابطه با جرائم قابل تعقیب بین‌المللی وجود ندارد، لکن قانون‌گذار داخلی از توجه به انواع صلاحیت‌های شناخته شده بین‌المللی غافل نبوده و ظرفیت‌های قابل قبولی جهت محاکمه یا استرداد مجرمین به وجود آورده است. به طوری که چنانچه صلاحیت ایران بر یکی از جرائم بین‌المللی مستقر گردد شروع اقدامات قضایی ممکن و قوانین جزایی ایران قابل اعمال است. کما اینکه در قضیه دستگیری دزدان دریایی در خلیج عدن نمونه عملی نشان داد که نظام قضایی ایران درخصوص جرائم مهم و دارای ابعاد بین‌المللی تمایل دارد دادرسی در مرکز کشور انجام شود. این روش با اهداف بیان‌شده و همچنین لزوم رسیدگی تخصصی و ویژه به این جرائم همخوانی دارد، لکن آن‌گونه که بیان شد درخصوص صلاحیت محاکم و شیوه رسیدگی به این جرائم با خلاء قانونی مواجه هستیم. خلاءهایی که در نظام کیفری ایران وجود دارند عبارتند از: فقدان شعب اختصاصی و دادرسان متخصص در حوزه حقوق بین‌الملل کیفری برای رسیدگی به جنایات بین‌المللی با در نظر گرفتن اصول دادرسی عادلانه در نظام حقوق بشر و بشردوستانه بین‌المللی؛ عدم تعیین مصادیق جنایات بین‌المللی و همچنین عدم تعیین مجازات متناسب با در نظر گرفتن اصول و استانداردهای حقوق بین‌الملل؛ عدم تبیین مناسبات میان مقررات کیفری حقوق داخلی و بین‌المللی (به ویژه آن‌دسته از مقررات اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری که جنبه عرفی پیدا کرده است)؛ عدم تعیین ضابطین متخصص و آموزش‌دیده؛ عدم تعیین جهات آغاز فرایند تعقیب کیفری و عدم تعیین تکلیف وضعیت

مواد پیشنهادی فوق‌برگرفته از اصول و مبانی حاکم بر حقوق کیفری داخلی و بین‌المللی بوده و مشتمل بر قواعد زیر است:

۱. ماده یک پیشنهادی درخصوص تعیین دادگاه صالح جهت رسیدگی به جرائم بین‌الملل است. این موضوع مانع تداخل صلاحیت محاکم خواهد شد.

۲. ماده دو ضمن جرم‌انگاری جرائم بین‌المللی، تعریف و دامنه شمول آنرا بیان می‌کند (اصل قانونی بودن جرائم)

۳. ماده سه درخصوص قانون لازم‌الاجرا و حاکم بر تشریفات دادرسی حقوق متهمین است.

۴. ماده چهار جهات تعقیب را مشخص می‌کند. همان‌گونه که مورد اشاره قرار گرفت کشورها در اعمال صلاحیت جهانی همواره ملاحظاتی را مورد نظر قرار می‌دهند، چرا که جنایات بین‌المللی عمده اصولاً توسط افراد دارای سمت‌های دولتی ارتکاب می‌یابد و در چنین حالتی ضرورت می‌یابد جهت جلوگیری از طرح اصل عدم مداخله در امور داخلی سایر کشورها و رعایت اصل برابری حاکمیت دولت‌ها شرایط و محدودیت‌هایی جهت اعمال صلاحیت جهانی لحاظ شود. کمااینکه کشور بلژیک سرانجام قوانین مصوب ۱۹۹۳ و ۱۹۹۹ خود را در سال ۲۰۰۳ صریحاً نسخ نمود. لذا مشروط کردن شروع تعقیب به جهات مذکور در ماده ۴ تا حدودی شروع رسیدگی دولت ایران را توجیه می‌کند.

۵. ماده پنج موضوع استرداد را مطرح می‌کند. غالباً کشورها چنان‌چه به هر دلیلی فردی را نخواهند یا نتوانند مورد تعقیب یا محاکمه قرار دهند می‌توانند با استرداد آن به کشور ذینفع یا مرجع بین‌المللی درخواست‌کننده موجب سقوط تعهد و تکلیف محاکمه شوند.

۶. پیش‌بینی ماده شش از این جهت است که بعضاً استدلال می‌شود که کشورها جهت انجام تکلیف محاکمه موظف هستند متهمین را با همان عناوین مجرمانه مندرج در حقوق بین‌الملل کیفری تحت تعقیب قرار دهند چرا که اصولاً دادگاه‌های داخلی هر یک از کشورها هنگامی که به جرایمی رسیدگی می‌کنند که در خارج از قلمرو حاکمیت دولت متبوع آنها اتفاق افتاده، یک دادگاه بین‌المللی به شمار می‌آیند (۷).

لذا رعایت اصل قانونی بودن جرائم و مجازات اقتضاء دارد همان عناوین مجرمانه به کار گرفته شود. لکن با توجه به رویه عملی دیوان کیفری بین‌المللی درخصوص محاکمه صدام می‌توان گفت صرف محاکمه یک فرد متهم به ارتکاب جرائم بین‌المللی بر اساس قوانین داخلی ماهوی و شکلی یک کشور و اعمال مجازات متناسب مانع از اعمال صلاحیت تکمیلی دیوان کیفری بین‌المللی یا سایر کشورها (بر اساس اصل عدم مجازات مضاعف) خواهد شد.

۷. توجه به این نکته نیز لازم است که بدانیم ماده ۶ نیاز قوانین جزائی ایران را جهت جرم‌انگاری صریح عناوین مجرمانه بین‌المللی با تعیین دقیق مجازات مربوطه به صورت کامل رفع نخواهد کرد.

نتیجه‌گیری

در فضای حقوق بین‌الملل کیفری همه دولت‌ها عضوی از جامعه بین‌المللی و مخاطب هنجارهای نظام حقوق بین‌الملل کیفری محسوب می‌شوند و جنایات بین‌المللی و مصادیق متعدد آن‌ها جرم‌انگاری و برای آن‌ها مجازات‌هایی تعیین شده است. با توجه به تعدد جنایات مزبور و مصادیق آن‌ها و عدم هماهنگی برخی از مبانی حقوق داخلی با نظام حقوق بین‌الملل کیفری و همچنین لزوم مراجعه به استانداردهای بین‌المللی در موارد ارتکاب جنایات بین‌المللی به نظر می‌رسد که لازم است در نظام حقوق داخلی ایران محاکم اختصاصی برای رسیدگی به موارد ارتکاب جنایات بین‌المللی طراحی شوند و قضات و دادرسان محاکم مزبور به صورت تخصصی در ارتباط با نظام حقوق بین‌الملل کیفری و استانداردهای آن تحت آموزش قرار گیرند. همچنین در فرآیند دادرسی محاکم مزبور لازم است که علاوه بر قوانین شکلی و دادرسی داخلی، استانداردها و هنجارهای بین‌المللی، به‌ویژه حق بر دادرسی عادلانه مورد توجه قرار گیرند. از طرفی، با توجه به حاکم بودن اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها در فضای حقوق کیفری و لزوم ورود مفاهیم و عناوین کیفری بین‌المللی به نظام حقوق داخلی لازم است که مجوز مراجعه به اسناد و هنجارهای حقوق بین‌الملل کیفری در قالب قوانین داخلی به قضات داده

شود. نکته دیگری که باید به آن توجه داشت این است که اصولاً در فضای نظام حقوق بین‌الملل و حقوق بین‌الملل کیفری، سازوکارهای خاصی وجود دارد که می‌تواند در ارتباط با ضرورت‌های روابط بین‌المللی و حفظ منافع ملی در سطح روابط خارجی نقش مهمی را ایفا کند. برای مثال استرداد مجرمین یکی از ابزارهای مهم محسوب می‌شود؛ زیرا در مواردی که منافع دولت‌ها در فضای روابط بین‌المللی ایجاب می‌کند که یک متهم خارجی را بنا به دلایل مختلف محاکمه نکنند، این امکان وجود دارد که با توسل به سازوکار استرداد مجرمین، متهم را به دولت متبوع وی یا به دولت محل ارتکاب جرم مسترد کنند. به بیان ساده‌تر، لازم است که قانون‌گذار داخلی ابزارها و سازوکارهای این‌چنینی را در فرآیند قانون‌گذاری بیش از پیش مورد توجه قرار دهد.

References

1. Beyranvand F, Sharifi Taraz Koochi H, Salami S. Configuration and Applying of International Soft Law in the Light of Procedure of the International Court of Justice with an Emphasis on Humanitarian Law. *Iranian Journal of Medical Law*. 2020 Jun 10; 14: 73-87.
2. Beyranvand F. The procedure of national courts in confronting with international soft law with emphasis on international humanitarian law (Doctoral dissertation, PhD Dissertation. Tehran Iran: Islamic Azad University).
3. Partington M. *Introduction to the English Legal System 2019-2020*. Oxford University Press, USA; 2019.
4. Hurrell A. Vattel: Pluralism and its limits. In *Classical Theories of International Relations 1996* (pp. 233-255). Palgrave Macmillan, London.
5. Siliquini-Cinelli L, editor. *Legal Positivism in a Global and Transnational Age*. Springer; 2019 Aug 30.
6. Werle G, Jeberger F. *Principles of International Criminal Law*. Oxford: Oxford University Press; 2020. pp. 33-36.
7. Malekian F. *Principles of Islamic international criminal law: A comparative search*. Brill; 2011 Jun 22.
8. Jackson V. *Constitutional engagement in a transnational era*. Oxford University Press; 2013 May 30.
9. Jouannet E. *A Short Introduction to International Law*. Cambridge: Cambridge University Press; 2014. pp. 29-30.
10. Capaldo M. *The Pillars of Global Law*. London: The Pillars of Global Law; 2013. pp. 211-212.
11. Yoosefiyan B, Esmaili M. [Translation of International Criminal Law]. Kittichaisaree K (Author). 2thed. Tehran: Samt Publication; 2017. pp. 14, 13. [Persian]
12. Bahrami B. Requirements for interpreting laws and contracts. 3thed. Tehran: Negahe Beyne Publication; 2011. pp. 37, 38-39, 124. [Persian]
13. Zamani G, Bahramloo B. [Translation of Public International Law]. Wallace R (Author). Tehran: Shahre Danesh publication; 2003. pp. 132, 133, 150, 145, 149. [Persian]
14. Delkhosh A. *Dealing with international crime*. Tehran: Shahre Danesh Publication; 2011. pp. 184, 185, 298, 400. [Persian]
15. Momeni M. *The principles of Public International Law*. 7thed. Tehran: Entesharate Shahre Danesh; 2011. PP. 150, 188. [Persian]
16. Khaleghi A. *Essays on International Criminal Law*. 2thed. Tehran: Shahre Danesh Publication; 2009. Pp. 43, 44, 45. [Persian]
17. Poorbaferani H. *International Criminal Law*. 4thed. Tehran: Jangal Publication; 2012. pp. 165. [Persian]
18. Abassnejad M. *Quran and Law*. Mashhad: Publishing Institute of Quranic Research Foundation of the seminary and university; 2006. pp. 122. [Persian]
19. Katooziyan N. *Introduction to the science of Law*. 24thed. Tehran: Sherkate Sahamiye publication; 1999. pp. 57. [Persian]
20. Abdolihi M. *Terrorism and human rights and humanitarian*. Tehran: Shahre Danesh Publication; 2009. pp. 88, 89. [Persian]
21. Fakhr H, Koochi D. [Translation of an introduction to international criminal law and procedure] Cryer R, Robinson D, Vasiliev S (Author). Tehran: Majd; Vol. 1. 2014. pp. 119, 127. [Persian].
22. Matute J. *International Criminal Responsibility as a Founding Principle of International Criminal Law*. In: Bergsmo M, Buis E. *Philosophical Foundations of International Criminal Law: Foundational Concepts*. Brussel: Torkel Opsahl Academic EPublisher; 2019. pp. 139-166.
23. Cassese A, Acquaviva G, Fan M. *International Criminal Law: Cases and Commentary*. Oxford: Oxford University Press; 2011. p. 393.
24. Schabas WA. *The international criminal court: a commentary on the Rome statute*. Oxford University Press; 2017 Jan 19.
25. Klamberg M, editor. *Commentary on the law of the International Criminal Court*. Torkel Opsahl Academic EPublisher; 2017 Apr 29.
26. Yaghuti E, Khazaei A, Beyranvand F, *Inquiries About Jus Cogens and Erga Omnes Obligations in International Law*. Tehran: Islamic Azad University of Central Tehran Publisher; 2019. pp. 61-62. [Persian]